

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سایت پروسه

۰۲ جولای ۲۰۱۸

فراخوان برای همبستگی با مقاومت و مبارزه حق طلبانه مردم محمره (خرمشهر) و عبادان (آبادان)

خیزش و اعتراض مردم مناطقی از استان‌های خوزستان و کهگلویه و بویراحمد و بوشهر و بلوچستان در اعتراض به بی‌آبی و شوری و آلودگی آب، جبهه قابل انتظار ولی غافلگیرکننده‌ای به لحاظ گستردگی منطقه‌ای و همزمانی‌اش با دیگر بحران‌های گریبان‌گیر نظام حاکم در مقابل حکومت جمهوری اسلامی ایران گشوده است. اما خیزش مردمی در شهرهای خرمشهر (محمره) و آبادان (عبادان) به مقابله مستقیم مردم با نیروهای سرکوبگر رسیده و اهالی به جان آمده شجاعانه علیه کلیت نظام و شخص اول مملکت شعار می‌دهند.

طی اخبار منتشر شده و تصاویر و فلم‌های ارسالی از سوی خود معترضان، نیروی انتظامی بر روی مردم آتش گشوده است و تا کنون تعدادی که هنوز آمار دقیقش مشخص نیست کشته و زخمی شده‌اند. تعداد زیادی از معترضان دستگیر شده‌اند و از سرنوشت آنان خبری در دست نیست. با توجه به ساختار مرکزگرای رسانه‌های فعال در حیطه ایران، پوشش خبری مناسبی در مورد این اعتراضات تا کنون شاهد نبوده‌ایم. با تمام تأکیدی که معترضان بر مدنی بودن اعتراضات خود داشته‌اند، دروغ‌گوئی و ائتلاف وقت مسئولان هر دم بر خشم معترضان افزوده و در نهایت این نیروهای سرکوبگر بودند که مثل همیشه به جای پاسخ به مطالبات به حق مردم با گلوله و باتوم به معترضان پاسخ دادند.

بحران محیط زیستی کشور و به طور مشخص بحران بی‌آبی در جنوب ایران سابقه و زمینه‌اش به کژکارکرد ساختاری دولت مرکزی ایران و برخورد استعماری و غارتگرانه با مناطق مختلف در ایران بر می‌گردد. طرح‌های توسعه کشاورزی منطقه‌ای، مدیریت غلط منابع آب و سدسازی‌های بی‌رویه و پروژه‌های غارتگرانه انتقال آب به مناطق مرکزی، همه و همه نتیجه‌ای جز نابودی محیط زیست مردم این مناطق نداشته است. سیاست توسعه تمرکزگرا که در دهه‌های گذشته ردش را از حاکمیت رژیم پهلوی می‌توان پیگیری کرد، سیاست تغییر ترکیب جمعیتی در جنوب، تقسیم‌بندی‌های منطقه‌ای بی‌حساب و کتاب و بی‌توجه به زیست واقعی مردم عرب و لر مناطق جنوبی ایران، زندگی و زیست این مردم را همواره با بحران‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی روبه‌رو کرده است. پروژه‌های بی‌زمین‌سازی کشاورزان عرب و پیگیری طرح‌های ضد محیط زیستی همچون توسعه زمین‌های زیر کشت نیشکر، دهه‌هاست علاوه بر شکل‌گیری اقشار حاشیه‌نشین شهری، محیط زیست منطقه را هم به نابودی کشانده است.

مشارکت و نظارت مردمی در این دوره‌ها مطلقاً نفی شده است و دولت‌های مرکزی با سرکوب کامل، منافع خود را پیگیری کرده‌اند. زمانی طرح‌های تغییر ترکیب جمعیتی این تصور را ایجاد کرده بود که هدف اصلی بی‌زمین و آواره کردن کشاورزان و کوچاندن اجباری مردم بومی منطقه است ولی اکنون نتیجه عملکرد سرمایه‌داری غارتگر و مرکزگرای دولت مرکزی در ایران، کارش به جایی رسیده است که حتا حیوانات و حشرات و آبیان و گیاهان هم نمی‌توانند در این منطقه دوام بیاورند. سرمایه‌داری حاکم در ایران با ویژگی مرکزگرای خود، اساساً مناطق مختلف را به قیمت انباشت در مرکز و ام‌القرای آریایی و اسلامی خودش، قربانی طرح و نقشه‌های جنایتکارانه اقتصادی و اجتماعی کرده است. بحران ریزگردها بیش از دو دهه است که گریبانگیر مناطق جنوبی و غربی کشور است. روند مهاجرت اجباری از مناطق جنوبی به مناطق مرکزی و شمالی افزایش چشمگیر داشته است. کشاورزان و روستائیان مناطق جنوب و غرب خراسان و بلوچستان از بی‌آبی مجبور به مهاجرت به کشور همسایه افغانستان شده‌اند. انتقال آب از مناطق لرستان و چهارمحال بختیاری به استان‌های مرکزی و تمرکز تولید فولاد در مناطق مرکزی و نیاز این صنایع به تأمین آب از مناطقی همچون لرستان و خوزستان و چهارمحال بختیاری، عملاً محیط زیست این مناطق را دچار فرسایش هولناکی کرده است که مستقیماً بر زیست ساکنان این مناطق تأثیر فاجعه‌باری گذاشته است.

امروز نتیجه طرح و برنامه‌های غلط و خائنانه برانداز دولت‌های مرکزی از پهلوی تا جمهوری اسلامی ایران را در بحران بی‌آبی گسترده و نابودی کشاورزی و مرگ مهمترین رودخانه ایران یعنی کارون مشاهده می‌کنیم. اعتراضات مردمی در این مورد به همین چند سال خلاصه نمی‌شود. تا جایی که مخاطب رسانه‌های فارسی‌زبان «جریان اصلی ایرانی» احتمالاً در خاطرش باشد، از دوران خاتمی اعتراضات فراگیر در آبادان و خرمشهر و دیگر مناطق جنوبی شکل گرفت. وضعیت کنونی نتیجه یک سوء مدیریت ساده یا بی‌تفاوتی و غفلت فلان و بهمان مسؤول نیست، بلکه با مطالعه روند تاریخی به یک جهت‌گیری کلان با اراده نابودی این مناطق به قیمت برداشت حداکثری و غارت منابع این مناطق می‌رسیم که تنها راه چاره‌اش نه گوش سپردن به وعده‌های همیشگی مسؤولان از جناحین مختلف، که دقیقاً باید هدف از کار انداختن و توقف کامل چرخه غارت و سرکوب باشد. خلع ید دولت مرکزی و عوامل این ستم منطقه‌ای بی تردید باید در دستور مردم این مناطق قرار بگیرد. تنها در این جهت و با روشنگری در این راستاست که در نهایت یک خیزش متحد سراسری علیه نظام حاکم شکل و محتوای واقعی خواهد یافت. در این مرحله به طور خلاصه از دیدگاه ما جنبش اعتراضی کنونی باید سمت‌وسوی خود را - حتا اگر در این دور از اعتراضات به نتیجه‌ای مقطعی هم نرسد - حول این محورهای مطالباتی عملیاتی و فعال کند و از همین امروز کلیه ارگان‌های تبلیغاتی و اجرایی را در این جهت به پیش ببرد:

- تمامی طرح‌ها و پروژه‌ها و فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی و طرح‌های انتقال آب که در ایجاد این وضعیت محیط زیست مؤثر بوده است باید با هیچ قید و شرطی فوراً متوقف شوند.

هیچ توجیهی برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد که حیات و سلامت ساکنان منطقه را مستقیماً تهدید می‌کند. پای هر میزانی از سود و بهرموری هم در میان باشد، در مقابل سلامت و زندگی مردم منطقه پشیزی ارزش نخواهد داشت و در چهارچوب هیچ مصلحتی قابل دفاع نیست.

- خلع ید از تمامی نهادها و نمایندگان و ارگان‌های دولتی در این مناطق و ایجاد یک صف گسترده مردمی در مقابل عوامل این سرکوب و غارت منطقه‌ای جاری.

نهاد فاسد نمایندگی ولایت فقیه و نمایندگان رانت‌خوار این مناطق از عوامل اصلی استحکام تثبیت و برقراری غارت و نابودی محیط زیست مناطق جنوبی هستند. هر گونه ارجاعی به این نهادها باید متوقف شود و باید از آنان در مدیریت

منطقه سلب مشروعیت کرد. در اعتراضات مردم محمره (خرمشهر) نماینده شهر عبدالله سامی معترضان را اراذل و اوباش خواند و همین باعث شعله‌ورتر شدن خشم مردم معترض شد. نمایندگان ایزده و اهواز و چهارمحال بختیاری و لرستان هر یک به نحوی در کار زد و بند برای سهم‌بری بیشتر از طرح‌های اقتصادی غارتگرانه منطقه‌ای هستند.

- ایجاد شوراهای و تشکلهای مردمی و صنفی مستقل از دخالت ارگان‌های دولتی و وابستگان به آنها جهت مدیریت و تصمیم‌گیری برای اداره امور منطقه که توان به کارگیری افراد و گروه‌های متخصص و صاحب فن و تجربه را با اراده‌ای جمعی و آزاد دارند.

در تاریخ مبارزات مردم جنوب تجربه‌های درخشانی از دخالت‌گری مردمی در سرنوشت خودشان دیده می‌شود. تجربه درخشان سندیکای کارگران فصلی و پروژه‌ای، انواع تشکلهای سیاسی و فرهنگی در مقطع خیزش ۱۳۵۷ همچون کانون فرهنگی خلق عرب در محمره (خرمشهر) و تجربه‌های جدیدتر همچون سندیکای نیشکر هفت‌تپه و نهادهای غیردولتی محلی فعال در حوزه‌های محیط زیستی و فرهنگی همگی از تجربه‌های درخشان و قابل اتکای این مردم برای تکیه بر اراده آزاد خودشان هستند.

- در دستور کار قرار گرفتن اعتصاب سراسری و هماهنگ کارگران معترض بخش‌های فولاد و هفت‌تپه و فعال کردن کارگران بخش نفت و پتروشیمی و حمل و نقل و دیگر صنایع عمده برای تضمین توقف کامل سرکوب و غارت منطقه‌ای.

به تجربه شاهد بودیم که دولت مرکزی تنها با حضور خیابانی و اعتراض جمعی متوقف نمی‌شود بلکه با دست گذاشتن بر شاه‌رگ حیاتی واحدهای اقتصادی تسلیم خواسته معترضان خواهد شد.

- فراخوان به همبستگی و یاری دیگر مناطق ستمدیده جهت تشکیل جبهه متحد ضد سرکوب و غارت دولت مرکزی جمهوری اسلامی.

در مقابله با طرح‌های انتقال آب کارون گروه‌های مردمی مختلفی در مناطق حوضه‌های آبریز کارون شکل گرفت که در فضای سرکوب استبدادی امکان مانور مناسبی ندارند. تلاش در جهت همگرایی و همبستگی این نهادهای مردمی از چهارمحال بختیاری گرفته تا لرستان و خوزستان و کهگلویه بویراحمد، تأثیر مثبتی بر همبستگی و همگرایی مردمان این مناطق خواهد داشت.

- مراقبت از اتحاد و همبستگی تنوع ملیتی و قومی مناطق بحرانی جهت جلوگیری از تفرقه‌افکنانه و تبلیغات سنگین تجزیه‌هراسی‌های حکومتی که توسط عوامل مختلف همواره همچون سلاحی بُرنده به کار گرفته شده است.

در این مورد مشخص و در مورد اهالی ساکن جنوب ایران، باید مستقیماً مقابل ترفند عرب‌ستیزی و تحقیر و سرکوب رسانه‌ای مردم ستمدیده عرب ایستاد و عوامل نژادپرست حکومتی و عوامل ریز و درشت‌شان را متوقف و بی‌اثر و رسوا کرد.

- پرهیز از سبقت‌گیری حساسیت‌های شوینستی (قوم‌پرستی افراطی) و مذهبی در مقابل تأکید صحیح بر مطالبات هویتی همبسته با خودگردانی و خودمدیریتی منطقه‌ای که از اصول پایمانی یک دموکراسی مشارکتی و مردمی است.

- هوشیاری در مقابل تبلیغات و برچسب‌های وابستگی به «خارج» از سوی حاکمیت و مقابله با توهامات «مداخلات بشردوستانه» از سوی دولت‌ها و قدرت‌هایی که از لحاظ تاریخی از عوامل همین مصیبت و فلاکت منطقه‌ای هستند.

طرح‌های کشت و صنعت نیشکر و پروژه‌های سدسازی با مشاوره کارشناسان امریکائی و اسرائیلی از زمان دولت پهلوی در دستور کار قرار گرفتند. توصیه‌های بانک جهانی به دولت رفسنجانی و پیگیری سدسازی‌های بی‌رویه از

سوی دولت «سازندگی» و تشویق دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد و روحانی از سوی بانک جهانی همگی در جهت ایجاد این مصیبت منطقه‌ای نقشی اساسی داشته‌اند .

- طرح و دفاع از آلترناتیو دموکراسی مشارکتی در برابر گزینه‌های مرکزگرای قوم/مذهب‌مدار(چه فارس و چه غیرفارس و چه شیعه و چه غیرشیعه) جهت تأمین آزادی و برابری کلیه شهروندان مناطق تحت ستم و تأکید بر آزادی فعالیت نهادهای فرهنگی و اجتماعی مردمی برای دفاع از هویت و هستی مردم مناطقی که از هر گونه دخالت‌گری در سرنوشت خود محروم شده‌اند.

با همبستگی و ایجاد صف متحد مردمی مقابل دستگاه ظلم و ستم رژیم جمهوری اسلامی ایران و غارت‌گری منطقه‌ای‌اش بایستیم و از مبارزه و مقاومت مردم به جان آمده محمره(خرمشهر) دفاع کنیم و رزم حق‌طلبانه آنان را پشتیبانی کنیم .

<https://www.thepetitionsite.com/takeaction/110/925/501/>

www.processgroup.org